

Scientific and Practical Considerations of Trauma Research and Social Detoxification

Ahmad Hossein Sharifi

Professor, Department of Philosophy, Educational and Research Institute, but Imam Khomeini, Qom

Email: sharifi1738@gmail.com

Abstract

Trauma research and detoxification, especially in the social sphere, are the most important stages of social research and public culture management. Although extensive research on pathology in the last three decades has focused on "describing" and "explaining" social injuries, little research has been done on "managing" and "controlling" social injuries and modifying social behaviors. The main issue of the present article is what scientific or practical considerations or prerequisites should be considered for trauma research and social injury reduction? In answer to this question, we have reached four considerations in the field of trauma research and three considerations in the field of detoxification through analytical methods. Paying attention to "the multifactorial nature of social injuries", "not being satisfied with internal solutions", paying attention to "pathology difficulty" as the last stage of social research And "creating public demand and social reform discourse" have been considered as four important scientific considerations in the field of trauma research and attention to "difficulty of elimination" and change of behavioral habits, attention to "gradual change of behavior" and the necessity of jihadi work and Uninterrupted and "unauthorized delay" in detoxification are discussed in this paper as three important practical considerations in detoxification.

Keywords: Social Injuries, Pathology, Detoxification, Agency, Structure.

ملاحظات علمی و عملی

آسیب‌پژوهی و آسیب‌زدایی اجتماعی

احمد حسین شریفی*

استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی، امام خمینی (ره)، قم

Email: sharifi1738@gmail.com

چکیده

آسیب‌پژوهی و آسیب‌زدایی به‌ویژه در گستره اجتماعی از مهم‌ترین مراحل تحقیقات اجتماعی و مدیریت فرهنگ عمومی به شمار می‌روند. با وجود این‌که تحقیقات گسترده‌ای که در سه دهه اخیر درباره آسیب‌شناسی صورت گرفته است، بیشتر تحقیقات معطوف به «توصیف» و «تبیین» آسیب‌های اجتماعی بوده و تحقیقات اندکی در حوزه «مدیریت» و «کنترل» آسیب‌های اجتماعی و اصلاح رفتارهای اجتماعی صورت گرفته است. مسئله اصلی نوشتار حاضر این است که برای آسیب‌پژوهی و آسیب‌زدایی اجتماعی چه ملاحظات یا پیش‌نیازهای علمی و عملی را باید مدنظر داشت؟ در پاسخ به این پرسش با روش تحلیلی به چهار ملاحظه در حوزه آسیب‌پژوهی و سه ملاحظه در حوزه آسیب‌زدایی رسیده‌ایم. توجه به «چندعاملی بودن آسیب‌های اجتماعی»، «عدم اکتفا به راه‌حل‌های درونی»، توجه به «دشواری آسیب‌شناسی» به‌عنوان آخرین مرحله تحقیقات اجتماعی و «ایجاد مطالبه عمومی و گفتمان سازی اصلاح‌گری اجتماعی» به‌عنوان چهار ملاحظه علمی مهم در حوزه آسیب‌پژوهی موردتوجه قرار گرفته است و توجه به «دشواری آسیب‌زدایی» و تغییر عادت‌های رفتاری، توجه به «تدریجی بودن تغییر رفتار» و لزوم کار جهادی و بی‌وقفه و «عدم جواز درنگ» در آسیب‌زدایی به‌عنوان سه ملاحظه عملی مهم در آسیب‌زدایی در این نوشتار موردبحث قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، آسیب‌پژوهی، آسیب‌زدایی، عاملیت، ساختار.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

مقدمه

از مهم‌ترین دغدغه‌های علوم اجتماعی و فرهنگی آسیب پژوهی و آسیب زدایی است. سایر فعالیت‌هایی که در علوم اجتماعی درباره کنش‌های انسان صورت می‌گیرد به یک معنا مقدمه کنترل و مدیریت رفتارهای اجتماعی است؛ یعنی «توصیف» و «تفسیر» و «تبیین» و «پیش‌بینی» هیچ‌کدام اصالت ندارند، بلکه همه از مقدمات و شرایط کنترل و مدیریت رفتارهای آدمیان به شمار می‌روند (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰-۱۰۴). مع‌الأسف در علوم اجتماعی بیشتر مطالعات و تحقیقات مصروف مقدمات شده و کمتر در اطراف ذی‌المقدمه تأمل شده است. روش‌ها و متدهای بسیار زیاد و نسبتاً دقیقی برای هرکدام از آن مراحل مقدماتی (توصیف، تفسیر، تبیین و پیش‌بینی) تولید کرده‌اند، اما در حوزه کنترل و مدیریت رفتار اجتماعی خیر. اصول و قواعد علمی و عملی حاکم بر آن مراحل مقدماتی همگی با دقت و حساسیت مورد تحلیل قرار گرفته و می‌گیرند، اما درباره اصول و قواعد علمی و عملی حاکم بر آسیب زدایی کمتر سخن می‌رود. از میان صدها و بلکه هزاران تحقیق علمی‌ای که در قالب کتاب و مقاله و همایش و نشست علمی و امثال آن درباره آسیب‌های اجتماعی تولید شده است، (کرباسی، ۱۳۸۲؛ رضایی، ۱۳۸۷) مع‌الأسف غالباً ناظر به «توصیف» و «درنهایت، «تبیین» آسیب‌های اجتماعی بوده‌اند. ضعف مطالعات در حوزه آسیب زدایی و مدیریت ناهنجاری‌های اجتماعی کار را به‌جایی رسانده است که حتی برخی از فیلسوفان علوم اجتماعی از اساس منکر چنین وظیفه‌ای برای علوم اجتماعی شده‌اند! به این صورت که مقوله کنترل و مدیریت رفتارهای اجتماعی را مقوله‌ای ایدئولوژیک پنداشته، آن را خارج از وظایف علمی عالمان علوم اجتماعی پنداشته‌اند! (سروش، ۱۳۷۰، ص ۱۷۶-۱۷۷)

به‌هرحال پیچیدگی‌های جوامع مدرن موجب شده است که هم بر دامنه آسیب‌های اجتماعی افزوده شود و هم بر عمق آن‌ها. به همین دلیل در مواجهه با آسیب‌های متکثر و پیچیده اجتماعی باید با چشمی باز و نگاهی جامع برخورد کرد. باید اقتضانات علمی و عملی آسیب پژوهی و آسیب زدایی را به‌درستی شناخت و در پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به کار گرفت. در نوشتار حاضر می‌کوشم به‌اختصار چهار ملاحظه مهم علمی درباره آسیب پژوهی و سه ملاحظه مهم عملی درباره آسیب زدایی را بحث می‌کنیم.

ملاحظات علمی آسیب پژوهی اجتماعی

۱. چندعاملی بودن

نخستین مسئله‌ای که در مطالعه آسیب‌های اجتماعی باید توجه داشت این است که امور اجتماعی و به‌ویژه آسیب‌های اجتماعی از امور چندعاملی‌اند؛ یعنی علل و عوامل آشکار و نهان فراوانی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا آسیب‌هایی مانند اعتیاد و طلاق و بیکاری و امثال آن در جامعه رواج یابند. عواملی مانند باورها، محیط تربیت و رشد، وضعیت اقتصادی، شرایط سیاسی، نوع حاکمیت، گروه‌های مرجع، امیال و سلاقی و غرایز شخصی را می‌توان

از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد یا تغییر یک رفتار اجتماعی دانست. (شریفی، ۱۳۹۲؛ راغب، بی تا ص ۳۵-۳۹؛ ملاصدرا، ۱۳۶۷، ص ۱۳۹-۱۴۱)

افزون بر علل و عوامل یادشده، پاره‌ای از اخلاق‌شناسان پیشین و کثیری از روان‌شناسان، مزاج‌شناسی را شرط لازم برای آسیب‌پژوهی می‌دانند. توضیح آنکه به اعتقاد اخلاقیان کلاسیک و تعدادی از روان‌شناسان معاصر و همچنین بر اساس طب سنتی، مزاج افراد و به‌طورکلی شرایط جسمی و تغذیه‌ای افراد از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای آسیب‌ساز به شمار می‌رود. مرحوم ملامهدی نراقی در جامع السعادات می‌گوید (نراقی، بی تا ج ۱، ص ۵۳). مزاج دخالتی تام در صفات نفسانی دارد: پاره‌ای از مزاج‌ها مستعد پاره‌ای از اخلاقیات‌اند و پاره‌ای دیگر مستعد خلاف آن اخلاقیات. برخی از افراد ذاتاً به گونه‌ای‌اند که خیلی سریع خشمگین می‌شوند و برخی دیگر خیلی دیر؛ برخی به کمترین مناسبتی می‌خندند و برخی دیگر با خنده‌آورترین جک‌ها هم لبخندی بر لبانشان جاری نمی‌شود؛ برخی مزاج‌ها زمینه و استعداد گرایش به سوی آسیب‌های اجتماعی را بیش از بقیه مزاج‌ها دارند. به‌هرحال در تحلیل و شناخت عمیق آسیب‌های اجتماعی حتماً لازم است مزاج‌شناسی و ویژگی‌های جسمی و تغذیه‌ای افراد هم تحلیل شود.

نتیجه آنکه اولاً باید دانست آسیب‌های اجتماعی از امور چندعاملی‌اند. علل و عوامل آشکار و نهان و مدیریت‌پذیر و غیرمدیریت‌پذیر بسیاری در شکل‌دهی به آن‌ها تأثیر دارد. طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت که هرکسی توانایی شناخت همه علل و عوامل آن‌ها را داشته باشد، حتی نمی‌توان انتظار داشت که بعد از شناخت علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی، همه آن‌ها قابل‌رفع و کنترل باشند؛ زیرا برخی از عوامل ممکن است مدیریت‌پذیر نباشند. ثانیاً درمان و اصلاح چنین مسائلی نیازمند نخبگی مضاعف، کار و کوشش دوچندان و تمرکز و توجه همه‌جانبه و نگاه جامع است. ثالثاً هرگز نباید در جستجوی ساخت جامعه‌ای معصوم بود، چنین آرمانی نه تنها دست‌نیافتنی است، بلکه منجر به یأس و ناامیدی هم می‌شود که البته کنترل‌پذیر نبودن همه علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی بدان معنا نیست که در برابر عوامل کنترل‌پذیر هم تسلیم شده و اقدام لازم را به عمل نیاوریم.

۲. عدم اکتفا به راه‌حل‌های درونی

ملاحظه علمی دیگری که در حوزه آسیب‌پژوهی باید در نظر گرفته شود این است که برای اصلاح آسیب‌های اجتماعی هرگز نمی‌توان و نمی‌باید به راه‌حل‌هایی مثل تقوا و عفت و خدا‌باوری و دین‌داری شخصی افراد اکتفا کرد. هرچند تقوا و عدالت فردی لازم‌اند، اما کافی نیستند. بسترسازی فرهنگی برای فرهنگ‌سازی ارزشی، بسیار مهم است. نمی‌توان همواره ذهنیت اخلاقی افراد را تحریک کرد و آرمان‌ها را بیان نمود، اما بسترهای کنشی آن‌ها را فراهم نکرد. امروز ساختارها و سازمان‌ها بر گرایش‌ها و عواطف و امیال و خواسته‌های فردی سلطه دارند. اولویت‌ها و اراده‌های فردی و میل و گرایش‌های به‌ظاهر شخصی، متأثر از ساختارهایند. متأسفانه در بسیاری از مطالعات آسیب‌پژوهی و آسیب‌زدایی تکیه و تأکید بر جنبه‌های فردی است؛ به‌عنوان مثال در تاریخ علم و فرهنگ شیعی بیشترین

بحث‌ها درباره عدالت و نظم به‌عنوان دو شاخصه مهم تفکر شیعی، تحلیل ابعاد فردی آن‌ها بوده است؛ عدالت سیستمی و نظم اجتماعی مغفول مانده‌اند. بی‌توجهی به عدالت و نظم سیستمی موجب بروز روابط ناسالم اجتماعی و اداری فراوانی می‌شود. عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را باید در ناکارآمدی سازمان‌ها و سیستم‌ها جستجو کرد؛ به‌عنوان مثال، وقتی ساختار صدور شناسنامه یا گواهی‌نامه المثنی یک ساختار پیچیده و چندین ماهه باشد، غیرمستقیم افراد را به رشوه دادن و پارتی‌بازی و روابط ناسالم اداری می‌کشاند. یا وقتی صدور پروانه ساختمانی و مجوزهای ساخت‌وساز مدارس و تأسیس مؤسسات و ... یک فرایند پیچیده و طولانی‌مدت باشد، در آن صورت روابط ناسالم اداری و اخلاقی و فرهنگی شکل می‌گیرد. شهید مطهری (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۷۹۰) در تحلیل چرایی رواج رذیله غیبت در میان برخی از زنان در جوامع سنتی می‌گوید، عده‌ای تصور کرده‌اند که این مسئله به‌نوعی به طبیعت زن و جنس او مربوط می‌شود؛ یعنی جنس زن را اساساً جنسی می‌دانند که اهل غیبت است. درحالی‌که این سخن کاملاً غلط و نادرست است. زن و مرد از این جهت فرقی نمی‌کنند.

به اعتقاد شهید مطهری علت مهم این مسئله این است که پاره‌ای از زنان، هیچ شغل و کاری نداشتند، نه در داخل خانه و نه بیرون از خانه، اینها صبح تا شب دورهم می‌نشستند و اهل مطالعه هم که نبودند؛ بنابراین، راهی غیر از غیبت کردن به روی آنان باز نبود. در چنین حالتی، موعظه و نصیحت چندان مؤثر نیست، نباید سنگینی همه این بار را بر دوش واعظان و نصیحت‌گران نهاد. تا علل چنین رذیله‌ای به‌درستی شناخته نشوند و تا به درمان علت‌ها نپردازیم این رویه همچنان ادامه خواهد داشت. راه اصلی این است که ساختار اجتماعی تغییر پیدا کند.

به همین دلیل است که اولین اقدام پیامبر اکرم (ص) به محض بسطید و فراهم شدن زمینه‌های اجرا و تحقق عینی و خارجی آموزه‌های دینی، مسجد سازی بود. آن حضرت به هنگام هجرت به مدینه، چند روزی را در دهکده قبا اقامت داشتند، اما در همان چند روز، نخستین مسجد اسلامی را بنا کردند. پس از حدود یک هفته اقامت در قبا، روز جمعه شانزدهم ربیع‌الاول، به مدینه حرکت کرد و در بین راه در محله قبیله بنی سالم بن عوف نخستین نماز جمعه را اقامه کرد. نخستین اقدام مهم پیامبر اکرم (ص) بعد از استقرار در مدینه نیز تأسیس مسجد به‌عنوان مرکزی عبادی، سیاسی، نظامی و مدیریتی بود. آن حضرت جایگاهی را در بیرون از محدوده مسجد، به‌منظور رسیدگی به فقرا و مستمندان و بی‌سرپناهان تأسیس کردند که به سایبان اهل صفا مشهور شد.

افزون بر این، در نخستین سال ورود به مدینه پیمان برادری (عقد اخوت) میان مهاجرین و انصار منعقد کردند. آن حضرت با این پیمان بسیاری از مشکلات اقتصادی و سکوتی و امنیتی مهاجران را که می‌توانست منشأ آسیب‌های فراوان اخلاقی و تربیتی و اجتماعی شود، حل کرد. عقد اخوت موجب شد تا امنیت روحی و روانی و اخلاقی در جامعه مدینه ایجاد شود. مشکلات دوری از خانه و کاشانه را که عده‌ای از مهاجران را می‌آزرد، حل کرد. امتیازات فقر و غنا و برتری‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای به این وسیله لغو شد. عرب با عجم، سفید با سیاه، فقیر با غنی برادر شدند.

به‌هرحال باید دانست که با سازوکارهای تربیت فردی نمی‌توان انتظار تحقق تربیت اجتماعی را داشت؛ زیرا

سازوکارهای اجتماعی با سازوکارهای فردی متفاوت است. در بحث‌های اجتماعی افزون بر توجه به «عامل»، باید سراغ اصلاح «ساختار»ها هم رفت.

سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی باید به‌گونه‌ای سامان پیدا کنند که در خدمت تقویت هنجارهای اجتماعی و تضعیف ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی باشند. ساختارهای اداری و حاکمیتی باید به‌گونه‌ای باشد که اذن و اجازه رشوه‌دهی و رشوه‌گیری و حق‌کشی و حق‌سوزی و ضعیف‌کشی و در یک کلمه اذن و اجازه ظلم را به کارکنان و مسئولان سازمان ندهد.

در این مسیر، می‌باید از ظرفیت‌های فرهنگی و غیرفرهنگی که می‌توانند در خدمت آسیب‌زدایی باشند به‌خوبی استفاده کرد. در کشور ما ظرفیت‌های بی‌ظنیر یا لاقیل کم‌نظیری وجود دارد که باید موردتوجه جدی مدیران فرهنگی واقع شوند. قطعاً با استفاده درست و مدیریت‌شده می‌توان آن‌ها را نه تنها در جهت آسیب‌زدایی، بلکه در جهت تقویت آرمان‌های اخلاقی و معنوی جامعه اسلامی به کار گرفت. باید مطالعات پژوهشی و اقدامات علمی برای بهره‌مندی از ظرفیت ده‌ها هزار مسجد، حدود ۱۰۰ هزار هیئت مذهبی ثبت شده، ده‌ها هزار کانون فرهنگی همچون زیارتگاه‌ها و امامزاده‌ها (که حدود ۹۰۰۰، امامزاده و بقعه متبرکه در کشور داریم و سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر دلباخته‌اند) در جهت آسیب‌زدایی و اخلاق‌گستری به‌درستی سامان یابد. افزون بر این، نباید از ظرفیت حدود ۲۵ هزار پایگاه بسیج که در سراسر کشور وجود دارد غافل شد و آن را نادیده گرفت.

در کنار همه آنچه گفته شد، استفاده از ظرفیت هزاران اتحادیه و صنف و سمن (سازمان‌های مردم‌نهاد) در جهت آسیب‌زدایی اجتماعی می‌تواند سرعت اصلاح ناهنجاری‌های اجتماعی را چند برابر کند. اینها اگر جهت‌گیری فرهنگی پیدا کنند، می‌توانند بسیاری از مشکلات را کاهش دهد: اتحادیه‌های فرش‌بافان، عکاسان، آرایشگران، خیاطان، اتوبوس‌داران، تاکسی‌داران، هتلداران، رستوران‌داران و تالارداران، مهندسان و معماران، کارگران، فرهنگیان، ورزش‌کاران، تولیدکنندگان و فروشندگان پوشاک و ده‌ها و صدها اتحادیه خرد و کلان دیگری که در حال حاضر بیشترین دغدغه‌های آن‌ها دغدغه‌های صنفی و حقوق و مزایای صنفی است، اما مسئولان فرهنگی کشور می‌توانند از این ظرفیت‌ها نه تنها در جهت آسیب‌زدایی، بلکه در جهت توسعه اخلاق صنفی و اخلاق حرفه‌ای استفاده کنند.

در اینجا لازم است نکته مهمی را متذکر شوم و آن اینکه بیان نقش ساختارها و عوامل بیرونی هرگز به معنای نادیده گرفتن مسئولیت فردی در اصلاح اخلاق و تحقق خلیقات نیکو نیست؛ زیرا نتیجه «ساختار» درست، اما «عامل» نادرست با فقدان ساختار یا ساختار نادرست، یکی است؛ بنابراین، هرچند جامعه، محیط، دوستان، خانواده، ساختارهای اجتماعی و حتی شرایط اقلیمی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی انسان نقشی جدی دارند، اما نباید مسئولیت فردی را در این زمینه نادیده گرفت. حتی اگر همه این عوامل، انسان را به رفتاری ناپسند سوق دهند، اما با توجه به اختیار و اراده آزاد انسان، مسئولیت نهایی بر عهده فرد انسانی است.

«وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا؛ و تمام آن‌ها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش حضور می‌یابند». (مریم: ۹۵)

«فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ؛ پس زمانی که در صور دمیده شود هیچ‌گونه نسبی میان آن‌ها نخواهد بود و از یکدیگر تقاضای کمک نمی‌کنند؛ زیرا کاری از کسی ساخته نیست». (مؤمنون: ۱۰۱)

«وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ مَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَصَلَ عَنكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ؛ محققاً همه شما یکایک به سوی ما بازگشتید همان‌گونه که روز اول شما را آفریدیم و آنچه را به شما بخشیده بودیم پشت سر نهادید و شفیعیانی را که به خیال باطل به نفع خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم، پیوندهای شما بریده شد و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید از شما دور و گم شدند» (انعام: ۹۴)، بلکه به نظر می‌رسد که وجود «عادل» مقدم بر تحقق «عدل» و وجود «ناظم» مقدم بر تحقق «نظم» است؛ یعنی تا انسان‌های عادل و منظمی نباشند نباید انتظار تحقق عدالت و نظم ساختاری و سیستمی را داشت. به همین دلیل، همان‌طور که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم نشان داده است، «خودسازی» مقدم بر «جامعه‌پردازی» است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

ما مجاز نیستیم که در برابر ساختارهای بد، عرصه را خالی کنیم و کناری بنشینیم؛ زکریا بن آدم، یکی از شیخان موجود در قبرستان شیخان قم که معاصر امام صادق(ع)، امام کاظم(ع)، امام رضا(ع) و امام جواد(ع) بود؛ انسانی فوق‌العاده بزرگ و مورد اعتماد ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و از بنیان‌گذاران اصلی مکتب تشیع در قم و مؤسس یک حکومت شیعی در قم بود، خطاب به امام رضا(ع) می‌نویسد: «إِنِّي أُرِيدُ الْخُرُوجَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ كَثُرَ الشَّفَهَاءُ فِيهِمْ! می‌خواهم از طایفه و قوم خود هجرت کنم؛ زیرا افراد سفیه و کم‌خرد در میان آنان زیاد شده است». امام رضا(ع) در پاسخ او می‌فرماید: «لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ، كَمَا يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ الْكَاظِمِ(ع)؛ (کشی، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۹۴) این کار را نکن؛ زیرا وجود تو در میان قوم و قبیله‌ات موجب دفع بلا از آنان می‌شود همان‌طور که با امام کاظم(ع) بلا و آفات از مردم بغداد دفع می‌شد». این توصیه امام رضا(ع) هم یک معنای باطنی و عرفانی و ملکوتی دارد که وجود انسان‌های پاک و پارسا درجایی، از علل و عوامل معنوی دفع آلام و بلاهای غیرمترقبه از آنان است و هم می‌توان یک معنای تربیتی از آن استفاده کرد و آن اینکه خوبان و مرییان اخلاقی، حق ندارند در برابر ساختارهای غلط و نادرست تسلیم شوند و به بهانه شیوع بدی‌ها و وجود ساختارهای رذیله، از زیر بار مسؤلیت شانه خالی کنند.

۳. آخرین حلقه

رفتارهای آدمیان، اعم از رفتارهای درست یا نادرست، در درون شبکه‌ای از مسائل درهم‌تنیده شکل می‌گیرند. حتی فهم چرایی رفتارهای آدمیان بدون توجه به باورها و نگرش‌های کلان آنان به هستی، معرفت، انسان و زندگی ممکن نیست. اینها میوه‌های درخت باورها و جهان‌بینی‌ها و نگرش‌های کلان به هستی‌اند؛ زیرا فهم راه‌های آسیب

زدایی متوقف بر آسیب‌شناسی و فهم علل و عوامل شکل‌گیری آسیب‌هاست، طبیعتاً این مرحله از پژوهش درباره آسیب‌های اجتماعی به مراتب دشوارتر و سخت‌تر از مرحله توصیف و تبیین آنهاست.

توضیح آنکه مقوله تغییر و اصلاح آسیب‌های اجتماعی ناظر به آخرین مرحله تحقیقات و پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی است و به این دلیل که متوقف بر پژوهش‌های فراوان پیشین است طبیعتاً دشوارتر از مراحل پیشین هم هست. توضیح آنکه در آسیب‌پژوهی اجتماعی با شش حوزه مستقل و درعین حال مرتبط باهم سروکار داریم:

اول، حوزه «تعریف» مفاهیم که بخش عمده‌ای از تحقیقات آسیب‌شناسی اجتماعی ناظر به همین بخش است؛ یعنی تعیین حدود و ثغور مفاهیمی؛ زیرا اعتیاد، عفت، خویش‌داری، غیرت، وفاداری و امثال آن.

دوم، «توصیف» وضعیت فرهنگی جامعه مورد مطالعه؛ یعنی یک پژوهشگر مسائل اجتماعی، مخصوصاً کسی که دنبال اصلاح آسیب‌های اجتماعی است باید وضعیت اخلاقی فرد یا جامعه مورد مطالعه خودش را بداند و طبیعتاً وضعیت‌شناسی فرهنگی و اخلاقی نیازمند به روش‌ها و متدهای خاصی است که در علوم اجتماعی عرضه شده‌اند.

در مرحله سوم و چهارم نوبت به «تفسیر» و «تبیین» کنش‌های اجتماعی می‌رسد؛ یعنی یک پژوهشگر اجتماعی باید افزون بر کشف دلایل، انگیزه‌ها، مرادها و مقاصد کنشگران اجتماعی، علل و عوامل بیرونی شکل‌گیری و نهادینه شدن رفتارها و خلیقات را هم بداند. دلیل کاوی (تفسیر) و علت کاوی (تبیین) هم بخش‌های مهمی از آسیب‌پژوهی‌اند.

در مرحله پنجم، لازم است وضعیت آینده مسائل اجتماعی جامعه مورد نظر را پیش‌بینی کرد؛ یعنی یک محقق ژرف‌اندیش لازم است نسبت به وضعیت مشاهده نشده و تحقق نیافته آینده کنش‌های اجتماعی مورد مطالعه خود و لو به صورت ظنی و احتمالی اطلاعاتی داشته باشد که البته پیش‌بینی، روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد.

در آخرین مرحله است که نوبت به کنترل و مدیریت و راهبری می‌رسد. ارائه دستورالعمل‌ها و راهکارهایی برای زدودن آسیب‌ها یا کم کردن کمیت و کیفیت آنها است که مهم‌ترین بخش مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی است. از آنجاکه موفقیت در این مرحله متوقف بر موفقیت در مراحل پیشین است، طبیعتاً کاری دشوار است.

۴. همگانی بودن

آسیب‌زدایی را نمی‌توان و نمی‌باید امری دستوری یا مربوط به گروه خاصی از مردم دانست، بلکه باید به گفتمان و فرهنگ عمومی و مطالبه همگانی تبدیل شود. باید در همه مردم و همه گروه‌های اجتماعی نیاز به تغییر و اصلاح را برانگیخت. تا مردم احساس نیاز نکنند، مصلحان اجتماعی نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. کسی که خود را مستغنی و کامل و جامعه خود را بی‌نقص می‌بیند، هیچ دلیلی برای حرکت اصلاحی نمی‌بیند.

رنگین‌ترین سفره‌ها و مغذی‌ترین غذاهای معنوی و اخلاقی را هم بچینند، وقتی احساس گرسنگی و نیاز نباشد،

کسی سراغ آن‌ها نخواهد آمد، بلکه ممکن است نفرت و دشمنی نسبت به مصلحان را نیز موجب شود؛ زیرا آنان را به اموری می‌خوانند که به گمان آن‌ها هیچ مشکلی از مشکلاتشان را برطرف نمی‌کند. هیچ کمالی برای آن‌ها ایجاد نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت با پیامبران و اولیای الهی و همچنین مخالفت با مصلحان راستین اجتماعی همین مسئله بوده است. مردمان عموماً سنت و آداب و رسوم برجای مانده از گذشتگان خود را کامل می‌دانند و به آن‌ها دل بسته‌اند، به همین دلیل حاضر نیستند زیر بار منادیان تغییر بروند. قرآن کریم فراوان و در آیات متعددی درباره این مسئله سخن گفته است. (بقره: ۱۷۰؛ مائده: ۱۰۴؛ اعراف: ۷۰؛ یونس: ۷۸؛ هود: ۶۲ و ۸۷؛ لقمان: ۲۱) به‌عنوان نمونه:

«بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ؛ بلکه آن‌ها می‌گویند ما نیاکان خود را بر مذهبی یافتیم و ما نیز به آثار آن‌ها هدایت شده‌ایم و همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبری انذار کننده نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور گفتند ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و به آثار آن‌ها اقتدا می‌کنیم». (زخرف: ۲۲-۲۳)

افزون بر این، باید دانست که رفتارهای اجتماعی ماهیت دومینویی دارند. خارج شدن یک مهره از حالت تعادل برای به هم ریختن تعادل و نظم سایر مهره‌ها کافی است. به همین دلیل، اگر فضای همگانی در راستای آسیب زدایی از یک ناهنجاری اجتماعی شکل نگیرد، نه تنها نمی‌توان امیدوی به موفقیت داشت که اساساً امکان اصلاح نخواهد بود. به همین دلیل، همه اعضا در آسیب زدایی باید همدل و همراه و همکار باشند. شاید سر تأکید قرآن بر توأسی به حق و صبر همین باشد؛ یعنی مؤمنان نه تنها باید خود اهل ایمان و عمل صالح باشند، بلکه باید همدیگر را به حق و صبر سفارش کنند و الا همگی متضرر خواهند شد. اگر فضای اجتماعی، فضایی اخلاقی و فضیلت‌محورانه نباشد، حفظ ایمان فردی هم کاری دشوار خواهد بود:

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ سوگند به عصر. همانا انسان‌ها در زیان‌اند. مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند». (عصر، ۱-۳)

ملاحظات عملی آسیب زدایی اجتماعی

۱. دشواری کار

آسیب زدایی اجتماعی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی است. نخبگی و جهاد مضاعف و مستمر می‌خواهد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالَ عَنْ مَكَانِهِ فَصَدَّقُوا وَإِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالَ عَنْ خُلُقِهِ فَلَا تَصَدَّقُوا؛ اگر شنیدید که کوهی از مکانش جابجا شده است، تصدیق کنید، اما اگر شنیدید که اخلاق کسی تغییر کرده است، تصدیق نکنید!» (پاینده، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶) بدون شک معنای این حدیث این نیست که اصلاح آسیب‌های

اجتماعی و رذایل اخلاقی ناممکن است؛ زیرا چنین معنایی با روح دعوت اسلامی و دینی ناسازگار است؛ مگر نه اینکه کار اصلی پیامبران و اولیای دین، هدایت‌گری است؛ اگر مردم غیرقابل تغییر باشند، هدایت‌گری و راهبری آنان به‌سوی حق، کاری لغو و بیهوده خواهد بود. به نظر می‌رسد پیامبر اعظم (ص) در این سخن می‌خواهد دشواری کار فرهنگی و آسیب‌زدایی را گوشزد کند و لزوم بردباری و پشتکار و صبوری در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی را یادآور شد؛ زیرا حقیقتاً آسیب‌زدایی، جزء سخت‌ترین و دشوارترین کارهاست. به تعبیر امام علی (ع): «أَصْعَبُ السِّيَاسَاتِ تَغْيِيرُ الْعَادَاتِ؛ تغییر عادت‌ها دشوارترین مسئولیت‌ها و مدیریت‌هاست». (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳) این دشواری تا جایی است که امام هادی (ع) آن را کاری معجزه‌وار می‌داند: «رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنِّ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ؛ ترک دادن عادت، کاری معجزه‌وار است». (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۸۹)

یکی دیگر از دلایلی که برای دشواری آسیب‌زدایی اجتماعی می‌توان ذکر کرد این است که برای تغییر یک رفتار نهادینه اجتماعی دو کار بسیار پیچیده و دشوار را باید به‌صورت هم‌زمان انجام داد: هم باید رفتارهای ناپسندی که به عادت رفتاری جامعه یا بخشی از افراد جامعه تبدیل شده‌اند را زدود و هم باید رفتارهای پسندیده را نهادینه کرد. به همین دلیل، نه تنها نیازمند فعالیت‌های جهادی است، بلکه نیازمند جهاد مضاعف است.

۲. تدریجی بودن

اصلاح آسیب‌ها و ناهنجاری‌های نهادینه‌شده اجتماعی امری تدریجی است. به‌طورکلی، شکل‌گیری و طبیعتاً اصلاح رفتارهای اجتماعی حتی در عصر ارتباطات و سرعت، معمولاً بسیار کند و نامحسوس صورت می‌گیرد. آسیب‌های اجتماعی همان‌گونه که به‌تدریج حاصل می‌شوند؛ به‌تدریج نیز زایل می‌شوند. همین مسئله را می‌توان یکی از دلایل بی‌رغبتی مدیران سیاسی و مسئولان رسمی نسبت به اصلاح مسائل فرهنگی و اجتماعی دانست که البته دلایل دیگری نیز برای این بی‌رغبتی در نظام‌های مردم‌سالار می‌توان ذکر کرد و آن ریزش آراء فرد یا جناحی است که بر مسائل فرهنگی و اجتماعی تأکید می‌کند.

مطالعه تاریخی مبارزه اسلام با برده‌داری، رباخواری و شراب‌خواری به‌عنوان شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی عصر بعثت و دوران اولیه اسلام، از بهترین الگوهای مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است. نوع مواجهه پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با این ناهنجاری‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان الگویی برای آسیب‌پژوهی و آسیب‌زدایی معرفی کرد.

توضیح آنکه هر اسلام‌شناس و اسلام‌پژوهی این حقیقت را درک می‌کند که نظام برده‌داری با ساختار فکر اسلامی سازگاری چندانی ندارد. اسلام از نخستین روزهای پیدایش خود معیار کرامت و انسانیت را تقوا و پرهیزگاری معرفی کرد و نه طبقه اجتماعی و اصل و نسب قبیلگی، اما تغییر سریع و جبری و تحمیلی نظام برده‌داری، نه امکان‌پذیر بود و نه مطلوب؛ زیرا زندگی اجتماعی مردم مکه و مدینه و بلکه کشورهای مثل ایران و

یونان و امثال آن همگی بر همین پایه شکل گرفته بود. تغییر سریع و دستوری آن به معنای فروپاشی نظام اجتماعی و روابط اقتصادی و تولیدی و توزیعی و نظام ارتباطات انسانی بود. به همین دلیل، اسلام با وضع قوانین خاصی در این باره زمینه‌های خردمندانه زایل شدن نظام برده‌داری را بدون آنکه به مصالح زندگی اجتماعی مردم لطمه‌ای وارد شود، فراهم کرد؛ برای مثال، از میان ده‌ها عاملی که در جوامع آن روز برای برده‌داری و برده‌گیری وجود داشت، تنها عامل مشروع و مجاز بردگی را منحصر در جنگ حق و باطل و آن‌هم با شرایط خاصی دانست. (انفال: ۶۷) و این نوع برخورد موجب شد که رفته‌رفته زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی برچیده شدن نظام و روابط آسیب‌زا و غیراخلاقی برده‌داری فراهم شود.

از دیگر آسیب‌های بزرگ اجتماعی که ضربه‌های سهمگین اقتصادی و اخلاقی و خانوادگی بر مردم جزیره‌العرب وارد کرده بود، ربا و رباخواری بود. اسلام در مبارزه با ربا و رباخواری نیز همین مسئله تدریج را در نظر داشت. در گام نخست آیه ۳۹ سوره روم نازل شد که فرمود: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَا لِيُرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ؛ آنچه به‌عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را به‌عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت و فزونی است و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعف‌اند».

در مرحله دوم آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء نازل شد که بیانگر حرمت ربا و رباخواری در آیین یهود بود که به‌صورت تلویحی حکم این مسئله را هم در اسلام بیان می‌کند و ذهن‌های مسلمین را آماده بیان حکم نهایی می‌کند: «فِي ظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّلْنَاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ أَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ وَ أَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ به خاطر ظلمی که از یهود صادر شد و (نیز) به خاطر بازداشتن فراوان آن‌ها از راه خدا، بخشی از چیزها (و خوراکی‌های) پاکیزه را که برای آن‌ها حلال شده بود بر آنان حرام کردیم و (همچنین) به خاطر ربا گرفتن، درحالی‌که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل؛ و برای کافران آن‌ها، عذاب دردناکی، آماده کرده‌ایم».

در مرحله سوم آیه ۱۳۰ سوره آل‌عمران نازل شد که گویا از نوع خاصی از ربا منع می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را چند برابر نخورید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید تا رستگار شوید».

و بالاخره در چهارمین مرحله حکم نهایی و حقیقی و نفس‌الامری ربا در آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره بقره بیان شده که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَتِيمٍ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ نُبِئْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ؛ کسانی که

ربا می‌خورند (در قیامت) مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و تعادل خود را از دست داده) برمی‌خیزد. این، به خاطر آن است که گفتند: «بیع (و دادوستد) مانند ربا است» درحالی‌که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام و اگر کسی اندرزی از جانب پروردگارش به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهای پیشین (و قبل از تحریم) از آن اوست و کار او به خدا واگذار می‌شود، اما کسانی که (به رباخواری) بازگردند، اهل دوزخ‌اند و جاودانه در آن خواهند بود. خداوند ربا را ناپود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و آنچه را از (سود) ربا باقی مانده رها کنید، اگر ایمان دارید. اگر چنین نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش به شما اعلان جنگ می‌کنند و اگر توبه کنید، سرمایه‌هایتان (بدون سود) از آن شماست (و به این صورت) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود».

مبارزه اسلام با شراب‌خواری، به‌عنوان یکی دیگر از بزرگ‌ترین آسیب‌های اجتماعی آن دوران، نیز از نمونه‌ها و الگوهای برجسته روش مبارزه با آسیب‌های اجتماعی است. آن‌گونه که از قرآن و همچنین شواهد و قرائن تاریخی به دست می‌آید، خدای متعال در طی چهار مرحله و به‌صورت تدریجی حکم نهایی شراب‌خواری را بیان کرد:

در نخستین گام، «شراب» را در مقابل «روزی پاکیزه» قرار داد و بدین ترتیب تفاوتی میان این دو ایجاد کرد و برای اذهان قوی و افراد زیرک این دغدغه را ایجاد کرد که شراب نمی‌تواند «زرق نیکو» باشد: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَنْخُدُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رُقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از درختان خرما و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند». (نحل: ۶۷)

در دومین مرحله، این مسئله با شفافیت بیشتری مطرح شد و ضمن تأیید وجود محاسن و منافع در شراب، زشتی‌ها و بدی‌ها و ضررهای آن بیشتر از منافعش معرفی شد: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن دو گناه و زیان بزرگی است و منافی برای مردم در بردارد، ولی گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است» و از تو می‌پرسند: «چه چیز انفاق کنند؟» بگو: «از مازاد نیازمندی خود» این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد؛ شاید بیندیشید». (بقره: ۲۱۹)

در سومین مرحله، نمازخواندن با حالت مستی ممنوع و حرام اعلام شد. با توجه به اینکه مسلمانان نمازهای واجب روزانه خود را در پنج وعده می‌خواندند و افزون بر آن نمازهای مستحبی زیادی نیز از سوی پیامبر اکرم (ص) معرفی شده بود و با توجه به جایگاه بسیار ویژه نماز در آیین اسلام، این دستورالعمل موجب شد تا حد زیادی شراب‌خواری در جامعه اسلامی رنگ ببازد؛ و بازار تجارت مشروبات الکلی به بازاری کم رونق و بلکه بی‌رونق تبدیل شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید». (نساء، ۴۳)

و بالاخره در چهارمین و آخرین مرحله، شراب‌خواری به‌عنوان یک رفتار شیطانی معرفی شد و دستور اکید

نسبت به اجتناب از آن در همه حالات صادر گردید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [= نوعی بخت‌آزمایی] پلید و از عمل شیطان است، از آن دوری کنید تا راستگارشوید». (مانده: ۹۰)

۳. عدم جواز درنگ

هرگونه درنگ و تعللی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی موجب هزینه‌های بیشتر و امید کمتر به اصلاح و زدودن آن‌ها می‌شود. به تعبیر زیبای سعدی شیرازی: (سعدی، گلستان، باب هفتم)

هرکه در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب‌تر را چنان‌که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست

ملاجلال‌الدین بلخی نیز برای لزوم تسریع در آسیب‌زدایی و زدودن رذایل و صفات بد و جلوگیری از ملکه شدن آن‌ها تمثیل زیبای خاربن و خارکن را ذکر می‌کند (مولوی، ۱۳۷۳) و می‌گوید فردی در مسیر عبور و مرور مردم درخت خاری را کاشت! و بی‌اعتنا به اعتراض و سرزنش رهگذران حاضر نشد آن درخت خار که موجبات آزار و اذیت مردم را فراهم می‌کرد، بردارد. روزها می‌گذشت و مردم همچنان از خارهای این درخت در رنج بودند و خارکن نیز بی‌اعتنا به رنج مردم نظاره‌گر اوضاع بود. درنهایت، مردم خسته از آزارها، شکایت به حاکم بردند. حاکم هم به صاحب خار دستور داد که آن درخت خار را از جا برکند. خارکن نیز به حاکم وعده داد که این کار را خواهد کرد.

مدتی فردا و فردا وعده داد شد درخت خار او محکم نهاد
حاکم او را احضار کرد و نسبت به سرپیچی از دستور، او را توبیخ کرد و در ضمن به او گفت:

تو که می‌گویی که فردا این بدان که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درخت بد جوان‌تر می‌شود وین‌کننده پیر و مضطر می‌شود
خاربن در قوت و برخاستن خارکن در پیری و در کاستن

مولوی بعد از نقد این داستان می‌گوید در این داستان منظور از درخت خار همان ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی ناپسندتوست که آسیب‌های آن‌ها را هم فراوان چشیده‌ای:

خار بن دان هر یکی خوی بدت بارها در پای خار آخر زدت
و در ادامه راه‌کار مواجهه با آسیب‌های اخلاقی را چنین بیان می‌کند:

یا تبر برگیر و مردانه بزن تو علی‌وار این در خیر بکن
یا به گلبن وصل کن این خار را وصل کن با نار نور یار را
تا که نور او گُشد نار تو را وصل او گلشن کند خار تو را

همان‌طور که مشاهده می‌شود در نهایت، مولوی در پایان این تمثیل، دو یا سه راهکار عمده برای اصلاح اخلاق و آسیب‌زدایی بیان می‌کند:

۱. تقویت اراده و تکیه بر عزم و تصمیم شخصی و برداشتن تبر عزم و اراده و ریشه‌کن کردن ناهنجاری‌ها:

یا تبر برگیر و مردانه بزن تو علی‌وار این در خیر بکن

۲. ارتباط با مربیان بزرگ و پیران وارسته و اتصال با گلستان معنویت اولیای الهی:

یا به گلبن وصل کن این خار را وصل کن با نار نور یار

این کار موجب می‌شود که خار وجود انسان به گل تبدیل بشود و آتش رذیلت‌ها در سایه ارتباط با نور پاکان، به حرارت و گرمی و نور مبدل گردد.

۳. بیت پایانی می‌تواند معنای دیگری هم داشته باشد به این صورت که اگر نمی‌توانی با قوت اراده و عزم و تصمیم، رذایل را از وجود خود برکنی، دست‌کم فضیلت را آن‌قدر زیاد کن و گلستان فضیلت را آن‌قدر پر بار کن که در کنار عظمت و فراوانی آن گل‌ها، وجود چند بوته خار چندان به چشم نیاید:

یا به گلبن وصل کن این خار را وصل کن با نار نور یار

تا که نور او کشد نار تو را وصل او گلشن کند خار تو را

جمع‌بندی

آسیب‌های اجتماعی از پدیده‌های چندعاملی است. علل و عوامل آشکار و نهان و مدیریت‌پذیر و غیرمدیریت‌پذیر فراوانی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک آسیب یا ناهنجاری در گستره جامعه پدید می‌آید. به همین دلیل، هم فهم عمیق و دقیق آسیب‌های اجتماعی و هم آسیب‌زدایی کاری به‌غایت دشوار است؛ نیازمند نخبگی علمی و جهاد عملی مضاعف است.

در آسیب‌شناسی و همچنین آسیب‌زدایی هرگز نباید به راه‌حل‌های درونی اکتفا کرد، بلکه افزون بر اصلاح عامل باید به اصلاح ساختارهای آسیب‌زا هم پرداخت. نقش ساختارها در شکل‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی کمتر از نقش اراده و خواست عامل نیست.

فهم چگونگی آسیب‌زدایی به این دلیل که متوقف بر شناخت آسیب‌ها و شناخت علل و عوامل شکل‌دهی به آسیب‌ها و همچنین داشتن فهمی نسبتاً روشن از وضعیت آینده آسیب‌های اجتماعی است، مرحله‌ای دشوار از تحقیقات اجتماعی و آسیب‌پژوهی است.

تربیت و اصلاح اجتماعی امری تدریجی است. انقلاب (به معنای مصطلح) در تربیت و اصلاح اجتماعی

ناشدنی است. بی‌توجهی به این حقیقت موجب ناامیدی زود هنگام یا عدم اقدام نسبت به اصلاح آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

هرچند آسیب‌زدایی امری تدریجی است، اما درنگ و تعلل در آن نیز جایز نیست. هرگونه درنگی در زدودن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی نه تنها هزینه مواجهه با آن‌ها را چند برابر می‌کند، بلکه امید به اصلاح را هم کم‌رنگ خواهد کرد.

منابع

- قرآن کریم.
 - ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: جامعه مدرسین.
 - پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش.
 - خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، *بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای:
- <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- راغب اصفهانی، حسین، (بی‌تا)، *تفصیل‌النشأتین و تحصیل‌السعادتین*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
 - رضائی، زهرا و دیگران، (۱۳۸۷)، *مجموعه مقالات همایش چالش‌های اجتماعی ایران*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
 - سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۰)، *تفرج صنع*، چاپ دوم، تهران: سروش.
 - سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۱)، *کلیات (گلستان)*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: طلوع.
 - شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۲)، *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران: آفتاب توسعه.
 - _____، (۱۳۹۴)، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، چاپ دوم، تهران: آفتاب توسعه.
 - کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ ق)، *رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد.
 - کرباسی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *کتاب‌شناسی آسیب‌های اجتماعی*، تهران: امیرکبیر.
 - لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، در مجموعه آثار، ج ۲۲، چاپ ششم، تهران: صدرا.
 - ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، *اسرار الآیات*، اصفهان: ناشر علویه همایونی.
 - مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۷۳)، *مثنوی معنوی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - نراقی، محمد مهدی، (بی‌تا)، *جامع السعادات*، تصحیح سیدمحمد کلانتر، بیروت: مؤسسه الاعلمی.